

فرگشت ادیان ابراهیمی

تمام ادیان، به صورت پیوسته، و نه یک باره در گذر زمان توسعه پیدا کرده اند که به آن فرگشت ادیان می‌گویم. فرگشت ادیان، در ادیان ابراهیمی به عنوان یک اصل آشکار پذیرفته شده، و همواره گفته شده احکام به صورت پله‌ای مطرح شده؛ به نوح فرامینی داده می‌شود، سپس ابراهیم، موسی و دیگر انبیاء و این احکام به صورت پیوسته بیشتر، و دقیق تر می‌شوند.

1. Noah
2. Abraham
3. Moses
4. Jesus

اصلاح احکام، یا تغییر آن‌ها در ادیان ابراهیمی، نه تنها هیچ گاه انکار نشده، بلکه به عنوان یک عقیده همواره پذیرفته شده که به آن «نسخ» گفته می‌شود، اما نسخ تنها باید در احکام باشد، و نه عقیده.

الهیات

genesis

بر اهل علم پوشیده نیست که خدا در کتاب genesis، بیشترین تشابه را با انسان دارد به طوری که در چند قسمت به این مسئله اشاره می‌شود.

And the Lord God said, Behold, the man is become as one of us, to know good and evil: and now, lest he put forth his hand, and take also of the tree of life, and eat, and live for ever: (22) Therefore the Lord God sent him forth from the garden of Eden, to till the ground from whence he was taken. (23)

- Genesis 3 - King James Version

خدا در کتاب genesis، چند ویژگی بسیار مهم دارد

- عالم به تمام امور نیست
- خسته می‌شود
- اشتباه می‌کند

خدایی که در این کتاب معرفی می‌شود، ابدا مشابه خدای فلسفی و خدای ادیان جدید تر ابراهیمی نیست.

Psalms

میان دانشمندان اتفاق نظر وجود دارد که کتابت Psalms از نظر تاریخی، بسیار بعد تر از آثاری همچون genesis, exodus, leviticus و دیگر کتب بوده.

Whither shall I go from thy spirit? or whither shall I flee from thy presence? (7) If I ascend up into heaven, thou art there: if I make my bed in hell, behold, thou art there. (8)

- Psalms 139 - King James Version

مدت ها بعد از کتب متقدم، می‌بینیم به مفهوم omnipresent بودن برای خدایی اشاره می‌شود که در genesis برای پیدا کردن آدم، او را صدا می‌زد و به دنبال او می‌گشت.

مسیحیان در ابتدا، هیچ گاه ادعاء داشتن دینی جدید نداشتند، و این حرکت، با پیروی از عیسی، و اختلافات با احکام عهد عتیق شروع شد؛ مسیحیان بعد تر، چند صفت omni را رسماً با همکاری کلیسا برای خدا مطرح کردند.

- Omnibenevolence
- Omniscience
- Omnipotence
- Omnipresence

این درحالی است که در عهد عتیق نه عشق و خیر بی حد و مرز از خداوند مشاهده می شود، نه omniscience بودن در genesis، نه omnipotent بودن با خستگی پروردگار، و نه حاضر بودن برای همه درحالی که اشاره شد خداوند برای صحبت با آدم، او را صدا می زند، و به دنبال او می گردد تا او را پیدا کند.

قرآن

در قرآن، بطور ویژه نقص های مسیحیان که از عهد عتیق فاصله زیادی گرفته بودند، و به ایده پردازی و فلسفه روی آورده بودند اصلاح می شود، و البته برخی مفاهیمی که توسط آن ها مطرح شده بود، اخذ و تصدیق می شود.

• علم به غیب

• وابستگی امور به اذن الهی

لذا، omniscient و omnipotent بودن به شکلی در اسلام اخذ و پذیرفته می شود، اما مطابق عهد عتیق، به بر عرش بودن خداوند، و خشم او در مقابل افعال انسان تاکید می شود.

زندگی پس از مرگ

شیوه باور به زندگی پس از مرگ، مثل بسیاری دیگر از باور ها در ادیان ابراهیمی، به صورت پله ای بوده، و با گذر زمان شدت و وسعت پیدا کرده.

عهد عتیق

برخلاف اسلام که بخش عظیمی از آن مبتنی بر زندگی پس از مرگ است، در عهد عتیق هیچ اشاره ای به زندگی کردن پس از مرگ، و شکل آن نمی شود.

عهد جدید

در عهد جدید، برخی از حواریون عیسی، شروع به پرسش درباره نحوه داشتن زندگی ابدی می کنند، عیسی برای اولین بار برای چنین حیاتی شروط مطرح می کند.

قرآن

در اسلام، در کنار اخذ عقیده مشروط بودن زندگی ابدی در بهشت، از زندگی پس از مرگ، و داشتن حیاتی مملو از لذت با چشمه های آب و زنان و حوریان بهشتی صحبت می شود که ابداً در کتب پیشین مطرح نبود.

The third to Zaccur, he, his sons, and his brethern, were twelve:

- [1 Chronicles 25:10](#)

Related posts

- [فرق بین دین و مذهب و منهج](#)
- [بررسی شواهد درشت فرگشت یا ماکرو فرگشت](#)
- [آیا داروینیسیم حقیقت دارد](#)
- [بررسی ریز فرگشت و شواهد آن](#)
- [بررسی ادعا های فرگشتی منشاء انسان](#)

Updated At:
username:

2026-05-04 05:16:44
x4748@tridectet.ir